



داوری اردکانی: ایرانیان فلسفه یونان را احیا کردند/ کلیسا هم به فلسفه نیاز داشت

رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به نقش فلسفه در قوام مسیحیت اروپایی گفت: برخی شرق‌شناسان معتقدند ایرانیان امانت‌داری کردند و فلسفه را به اروپا پس دادند، این نظر آشکارا نادرست است!

رئیس فرهنگستان علوم با اشاره به نقش فلسفه در قوام مسیحیت اروپایی گفت: برخی شرق‌شناسان معتقدند ایرانیان امانت‌داری کردند و فلسفه را به اروپا پس دادند، این نظر آشکارا نادرست است!

به گزارش خبرنگار آئین و اندیشه خبرگزاری فارس، رضا داوری اردکانی رئیس فرهنگستان علوم در همایش علم دینی که عصر امروز به همت کانون اندیشه جوان در تالار ابن خلدون دانشگاه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران برگزار شد، در رابطه با مسئله ما با فلسفه یونانی، اظهار داشت: زمان، زمان مسئله است و از این جهت جای خوشبختی است. مساله من همواره این بوده است که ابن‌سینا و فارابی چگونه فیلسوف شدند، یعنی چه پرسشی داشتند که دنبال فلسفه رفتند؟

* حتی کلیسا هم به فلسفه نیاز داشت

وی در ادامه با طرح این پرسش که چه سروکاری با فلسفه داریم و چرا فلسفه را فلسفه اسلامی می‌خوانیم، گفت: ما فلسفه یونانی را احیا کردیم و فلسفه یونان در عالم اسلام و ایران مورد توجه قرار گرفت و جاهایی مانند هند، اندونزی، مالزی نفوذ کرد که از طرف ایران به آن مناطق نفوذ کرد.

وی با طرح این پرسش که آیا گسترش فلسفه توسط ایرانیان امری اتفاقی است، گفت: فلسفه یونان بعد از اینکه مورد توجه قرار گرفت به اروپا برگشت و دلیل آن این است که کلیسا نیاز به فلسفه داشت و مسیحیت اروپایی نیز برای قوام خود به فلسفه نیاز داشت.

وی افزود: برخی شرق‌شناسان معتقدند ایرانیان امانت‌داری کردند و فلسفه را به اروپا پس دادند، این نظر آشکارا نادرست است! کسی که می‌خواهد فلسفه را نگاهداری کند، ابن‌سینا نمی‌شود.

رئیس فرهنگستان علوم گفت: نظر دیگر این است که علت رجوع به فلسفه یونان برخی ملاحظات سیاسی بود که ایرانیان آنچه را که با دین نزدیک بود قبول کردند و نزدیک نبود را نیز رها کردند؛ اگر چنین بود فیلسوفان ما نباید ارسطو را انتخاب می‌کردند.

وی با نقد «؛توهم توطئه» گفت: «؛توهم توطئه» حرف بی‌پایه‌ای است! عالمان ممکن است خطا کنند اما به قصدی غیر از علم حرف نمی‌زنند و عالم قادر نیست بنا به مصلحتی در علم دخالت کند و اهل علم، علم را وسیله مقاصد پائین‌تر از علم محسوب نمی‌کنند.

داوری اردکانی گفت: مصلحت در زندگی افراد مهم است و افراد در برخی اوقات بخاطر معاش برخی از مصلحت‌ها را انجام دهند اما مصلحت حقیقت را نمی‌شود تابع عادی معیشت دانست.

داوری گفت: من چگونه بگویم ابن‌سینا و فارابی فلسفه خود را تغییر داده که مطابق فهم و زمانه شود و مقبولیت پیدا کند. اگر ابن‌سینا در طلب عافیت بود چرا باید از دست محمود غزنوی گریزان می‌شد و اگر نظر کسی نادرست است ضرورتاً خائن نیست.

* اسلامی‌کردن فلسفه ارسطو یک تلقی شرق‌شناسانه است

وی افزود: ایرانیان فلسفه را با پرسش فرا گرفتند تا پاسخ سؤالات خود را بیابند و این تلقی که فیلسوفان مسلمان فلسفه ارسطو را

گرفتند و وحی و خلقت را به آن الصاق کردند، تلقی شرق‌شناسانه و مکانیکی است. نمی‌شود هر چیزی را از هر جا گرفت تاریخ یونان غیر از تاریخ اسلام است.

وی گفت: کانت را چه قبول داشته و یا نداشته باشیم، معلم بزرگ غرب است و کانت در سراسر وجود غرب جریان دارد و دنیای غرب، دنیای اوست.

داوری ادامه داد: کسانی که با فلسفه و ابن سینا مخالفت کردند چه چیز در دنیا مورد مخالفت قرار نگرفته است و بزرگ مرد شعر ایران با فلسفه مخالفت کرد و اما فلسفه ماند. تفکر خود نگهبان خود است و ظهور می‌کند.

وی ادامه داد: عالم علم، عالم سوداگری و معامله‌گری نیست! وقتی متفکر شدید از عالم سود و معامله خارج می‌شوید؛ زبانتان زبان علم می‌شود.